




Analyzing the Role of Ayatollah Khamenei as the Nodal Point of the Islamic Republic System

Arash Monshizadegan¹, Ali Asghar Davoudi², Saeed Gazerani³

¹ PhD Student, Department of Political Science, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. ar_mo816@mail.um.ac.ir

² Assistant Professor, Political Science Department, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran (**Corresponding author**). adavoudi@mshdiau.ac.ir

³ Assistant Professor, Political Science Department, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. sgazerani@mshdiau.ac.ir

Abstract

The present study aims to examine the position of the Supreme Leader in the structure of the Islamic Republic of Iran from the perspective of a nodal point. The research method is descriptive-analytical and is based on the hypothesis that leadership, as the main factor preserving the identity and unity of the nation, plays the role of the nodal point in the existing political structure. Ayatollah Khamenei, as the leader of the Islamic Republic of Iran, has a significant role in guiding the nation, regulating the relationships among the branches of government, and managing crises. In his capacity as a leader, with legal and supra-institutional authority, he has performed vital functions during the Islamic system's passage through crises over the past three decades. Considering the importance of the nodal point in creating a sense of integration that is identity-forming and identity-preserving, it appears that the leadership acts as a kind of junction, organizing a vast number of floating signifiers, that is, a multitude of ideological elements within a unified domain. Additionally, the Supreme Leader, in fulfilling the role of the nodal point and executing specific functions, has played a unique role in the political system of the Islamic Republic, creating synergy and unity of action among the branches of government and officials, and thereby contributing to stability, security, and progress.

Keywords: Ayatollah Khamenei, Islamic Republic of Iran, Political system, Nodal point, Vali-e-Faqih (the Guardian Jurist).

تحلیل جایگاه آیت‌الله خامنه‌ای به‌مثابه نقطه آجیدن نظام جمهوری اسلامی

آرش منشی‌زادگان^۱، علی اصغر داودی^۲، سعید گازرانی^۳

^۱ دانشجوی دکتری، گروه علوم سیاسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

ar_mo816@mail.um.ac.ir

^۲ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

adavoudi@mshdiau.ac.ir

^۳ استادیار، گروه علوم سیاسی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. sgazerani@mshdiau.ac.ir

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی جایگاه مقام معظم رهبری در ساختار جمهوری اسلامی ایران از منظر نقطه آجیدن می‌باشد. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و بر این فرض استوار است که رهبری به عنوان عامل اصلی حافظ هویت و اتحاد ملت، در نقش نقطه آجیدن ساخت سیاسی موجود، ایفای نقش می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای در مقام رهبری جمهوری اسلامی ایران، نقشی پررنگ در هدایت ملت، تنظیم روابط قوا و مدیریت بحران‌ها دارند. ایشان در قامت یک پیشوا، با اختیارات قانونی و فرانهادی، کارویژه‌های حیاتی خود را در گذر نظام اسلامی از بحران‌های پیش آمده در سه دهه اخیر ایفا نموده‌اند. با توجه به اهمیت نقطه آجیدن در خلق حس یکپارچگی که هویت‌آفرین و حافظ هویت است، به نظر می‌رسد مقام رهبری در قامت نوعی گره‌گاه، شمار کثیر دال‌های سیال، یعنی کثرت عناصر ایدئولوژیک را در درون یک حوزه یکپارچه سامان می‌دهد. همچنین ولی فقیه از منظر احراز جایگاه نقطه آجیدن و اعمال کارویژه‌هایی خاص، نقش بی‌همتایی در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایفا کرده و با ایجاد هم‌افزایی و وحدت رویه میان قوا و مسئولان، در مسیر تحقق ثبات، امنیت و پیشرفت، اقدام نموده‌اند.

کلیدواژه‌ها: آیت‌الله خامنه‌ای، جمهوری اسلامی ایران، نظام سیاسی، نقطه آجیدن، ولی فقیه.

استناد به این مقاله: منشی‌زادگان، آرش؛ داودی، علی اصغر؛ گازرانی، سعید (۱۴۰۳). تحلیل جایگاه آیت‌الله خامنه‌ای به‌مثابه نقطه آجیدن نظام جمهوری اسلامی. *سیاست‌پژوهی ایرانی*، ۱۱(۱)، ص ۱۰۹-۱۳۲.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵

ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان.



۱. مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، با استقرار نظام جدید و تدوین قانون اساسی، نظمی نوین در سپهر سیاسی ایران پدید آمد. این نظم نوین با بافتی ویژه، نمایی جدید از مردم‌سالاری، آن هم از نوع دینی را به نمایش گذاشت. وجود و حضور ولی فقیه به عنوان کانون این نظام سیاسی، موجب تجربه جدیدی از حکومت‌داری در دوره معاصر گردید. ولی فقیه با برخورداری از مجموعه شاخصه‌های مادی و معنوی، با قرار گرفتن در جایگاه رهبری، در نقش هدایت‌گر مردم و کارگزاران نظام ظاهر شد. برای درک رابطه میان رهبر و مردم در نظام سیاسی جمهوری اسلامی - که در چارچوب فهم منطق سیاسی جهان معاصر نمی‌گنجد - کافی است نگاهی به سوگواری سراسری و پرشور مردم پس از فوت امام خمینی، یا شهادت سردار سلیمانی انداخته شود. تحلیل این ارتباط معنوی در قالب رابطه مرید و مرادی، هدف پژوهش پیش‌رو از منظری نوین است. امام خمینی نقطه تلاقی یک خواست جمعی بود. از آغاز مبارزات مردمی علیه سلطنت پهلوی، گروه‌های مختلف سیاسی با دیدگاه‌های متنوع و گاه متضاد، حول محور رهبری امام خمینی مفصل‌بندی شدند. گفتمان انقلاب اسلامی بر دال‌های شناوری چون جمهوری اسلامی، فقه و احکام اسلامی، ولایت فقیه، اجتهاد و تقلید، نظارت علما، روحانیت و تعهد تأکید می‌کرد. گفتمان اسلام‌گرا توانست با مفصل‌بندی نشانه‌ها حول دو انگاره «اسلامیت» و «جمهوریت» در سایه مفهوم ولایت فقیه، به منزله گفتمان هژمون، سپهر سیاسی ایران را در دست بگیرد و تا به امروز، گفتمان انقلاب اسلامی توانست با رهبری آیت‌الله خامنه‌ای به حرکت و شکوفایی خود ادامه دهد.

در طول تاریخ چهل ساله پس از انقلاب، جمهوری اسلامی با بحران‌های فراوان داخلی و خارجی روبرو شده که در برخی موارد موجبات نارضایتی عمومی را فراهم آورده و در اعتراضات عمومی همچون حوادث سال‌های گذشته نمود یافته است. عوامل مختلفی در بروز این بحران‌ها نقش داشته‌اند؛ از جمله نفوذ خارجی و ناکارآمدی برخی از کارگزاران نظام؛ اما نکته مهم، نحوه مدیریت این حوادث و گذر از چالش‌های رخ داده است که نقش هدایت‌گری مقام رهبری در آن برجسته می‌نماید. جایگاه رهبری با نقش کانونی، هماهنگ‌کننده و هویت‌بخشی آن، موجب بازگشت سکون و آرامش به کشتی طوفان‌زده کشور در مقاطع مختلف شده است. برای تحلیل این جایگاه و توضیح نقش آن با نظریات مرسوم غربی و شرقی، تلاش‌هایی شده است؛ اما با توجه به خلاءهای پژوهشی موجود، نیاز به تلاش و نگرشی نوین احساس می‌شود. دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان ولی فقیه و رهبر امت اسلامی، سیاست‌گذار و راهبر اصلی انقلاب، یک منظومه فکری را تشکیل می‌دهد که شناخت آن، ما را به چند و چون گذر از بحران‌ها رهنمون می‌کند. بنابراین، شناخت اندیشه‌ها و

جایگاه کارکردی ایشان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از آنجا که نظام جمهوری اسلامی با قانون اساسی خاص خود، همواره داعیه ارائه یک بدیل برای نظام‌های سیاسی موجود را داشته، شناخت شاخصه‌های ممیزه این نظام، ضرورتی بنیادی است. با توجه به ماهیت دینی، مبانی و اهداف جمهوری اسلامی، می‌بایست جنبه‌هایی از نظام سیاسی که تاکنون مغفول مانده، مورد مذاقه قرار گیرد. همچنین نقاط قوت جمهوری اسلامی، محوری تشکیل داده است که در تبیین صحنه منازعه، شناسایی دشمن، اعلام راهبردهای عملیاتی و مدیریت بحران نقش مهمی را ایفا می‌کند. با توجه به وجود دشمنی‌های فراوان بین‌المللی با نظام اسلامی، ضروری به نظر می‌رسد که مسیر اصلی پژوهش‌ها از کلام مقام رهبری اتخاذ شود و مسیر پیشرفت کشور با عنایت ویژه به منظومه فکری ایشان که اسلام‌شناسی آگاه به زمان و مدیر و مدبر است، تعیین گردد.

از این منظر، سوال اصلی پژوهش حاضر این است که، آیت‌الله خامنه‌ای از چه جایگاهی در ساختار جمهوری اسلامی از منظر «نقطه آجیدن» برخوردار است؟ پژوهش بر این فرضیه استوار است که، مقام رهبری به عنوان عامل اصلی حافظ هویت و اتحاد ملت در نقش نقطه آجیدن نظام اسلامی قرار دارد. در این پژوهش سعی شده است تا با بهره‌گیری از مفهوم «نقطه کاپیتون» در رویکرد روان‌کاوی، به تحلیل جایگاه پر اهمیت رهبری در نظام جمهوری اسلامی پرداخته شود، تا جنبه‌هایی مهم از زوایای خاص حاکمیت جمهوری اسلامی نمایان گردد. تحلیل و تشریح این مهم، هم در معرفی جنبه‌های کم‌تر برجسته شده نظام سیاسی مؤثر است و هم به بسط برداشتی سیاسی از نظریه ولایت فقیه به عنوان الگویی برای حکومت‌داری کمک می‌رساند.

هدف این پژوهش، بررسی نقش و جایگاه مقام رهبری در ساختار نظام جمهوری اسلامی از منظر نقطه کاپیتون است، تا به واکاوی کارکردها و کارویژه‌های ایشان از این منظر نگریسته شود. همچنین تلاش می‌گردد تا تبیینی روشن و شایسته از نظام سیاسی اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه به دست آید. بنابراین، به تحلیل جایگاه پر اهمیت رهبری در نظام جمهوری اسلامی پرداخته خواهد شد و جنبه‌هایی مهم از زوایای خاص حاکمیت جمهوری اسلامی نمایان می‌گردد. تحلیل و تشریح این مهم، هم در معرفی جنبه‌های کم‌تر برجسته شده نظام سیاسی مؤثر است و هم به بسط برداشتی سیاسی از نظریه ولایت فقیه به عنوان الگویی برای حکومت‌داری کمک می‌رساند. در ساختار نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، مقام رهبری، نقشی محوری در عرصه نظر و عمل دارد. شناخت و تحلیل این جایگاه در جامعه اسلامی امری ضروری است؛ به حدی که با شناخت آن می‌توان در مسیری روشن جهت تحقق اهداف والای انقلاب اسلامی از جمله استقرار تمدن اسلامی قدم گذاشت. علاوه بر آن، شناخت اندیشه‌ها و جایگاه کارکردی ولی فقیه، به عنوان سیاست‌گذار و راهبر

اصولی انقلاب، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲. پیشینه پژوهش

در خصوص نقش و کارکرد مقام رهبری در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌های متعدد و متنوعی صورت گرفته که در جدول شماره (۱)، به برخی از آن‌ها اشاره شده است.

جدول ۱- پیشینه پژوهش

نویسندگان/ روش استفاده شده	اهداف و سؤالات اصلی	مهم‌ترین یافته‌ها
منتظری و منتظری (۱۳۹۴) / رویکرد دکترینال	بررسی دکترین بعثت آیت‌الله خامنه‌ای در مقابل جاهلیت مدرن	لایه‌های پنج‌گانه دکترین بعثت در مقابل بسط جاهلیت مدرن تشریح شد
اسماعیلی و عباسی فیروزجاه (۱۳۹۵) / تحلیل مضمون	ترسیم و بازنمایی محورها و مؤلفه‌های عقلائی در انقلاب اسلامی	مفاهیم دین‌محوری، باهم‌بودگی، عدالت‌خواهی، استکبارستیزی و مردم‌سالاری، مفاهیمی عملی و تمدن‌ساز هستند که جمهوری اسلامی باید در راستای تحقق آن حرکت کند.
حسینی جیردهی و علوی وفا (۱۳۹۶) / مفهوم‌سازی بنیادین	الگوی تعاملی رهبر با گروه‌های مخاطب در راستای حفظ نظام اسلامی در فتنه ۸۸	در رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، اجرای تکلیف برای جلب رضایت خداوند، اصل و مبنا قرار گرفته و با رفتاری مدبرانه پیروزی حاصل شده است.
شفیعی و همکاران (۱۳۹۵) / توصیفی-تحلیلی	نقش ولایت و رهبری در ثبات سیاسی جمهوری اسلامی	نقش بی‌بدیل رهبری در مدیریت و ثبات سیاسی و دوام انقلاب، مرهون کارآمدی و هوشمندی رهبری است.
نوری (۱۳۹۷) / کیفی	چیستی ماهیت دولت اسلامی در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای	ماهیت دولت اسلامی، دولتی دینی با الگوگیری از دولت نبوی و دولت علوی با هدف نهایی رستگاری است.
شفیعی (۱۳۹۸) / تحلیل محتوا	چیستی الگوی رهبری معنوی هوشمند	رهبری معنوی و هوشمندانه آیت‌الله خامنه‌ای دارای مؤلفه‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و مبتنی بر معنویت و خداگرایی است.
کیانی و زرگر (۱۳۹۹) / تحلیلی-سیستمی	بررسی نظام سیاسی مطلوب در اندیشه رهبری انقلاب اسلامی	نظام ولایی مدنظر رهبری، نظامی مزین به معیار ایمان، تقوا و وجود شاخصه‌هایی برای کارگزاران است.
مهاجرنیا و کریمی خضرا (۱۳۹۱) / روش تفسیری هرمنوتیک	مبادی هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه نظام سیاسی مطلوب رهبری	نظام سیاسی مطلوب رهبری، دارای خاستگاهی مردمی و متکی بر ایمان قلبی حکومت‌شوندگان و با مشروعیت دوگانه الهی-مردمی است.

همان‌طور که در جدول شماره (۱) آمده است، پژوهش‌های متعددی در خصوص دیدگاه‌های رهبری و نقش ایشان در نظام اسلامی انجام شده است؛ اما پژوهش پیش‌رو اولین پژوهش با رویکردی نوین است که به تحلیل جایگاه رهبری در دوره جمهوری اسلامی می‌پردازد. همچنین این پژوهش برای اولین بار، با بهره‌گیری از مفهوم نقطه کاپیتون، به تحلیل جایگاه ولی فقیه در ایران پس از انقلاب می‌پردازد، که با بررسی‌های صورت گرفته، نشان داده شد که نقش و کارویژه ایشان منطبق با نقطه کاپیتون در نظام سیاسی است. امید می‌رود این پژوهش آغازی برای پژوهش‌های دیگر به منظور غنی‌سازی تئوریک آثار مرتبط با انقلاب اسلامی و نظام سیاسی برآمده از آن باشد، تا تبیینی روشن و

شایسته از نظام سیاسی اسلام مبتنی بر ولایت فقیه بدست آید.

۳. ادبیات نظری

روان‌کاوی با زیگموند فروید^۱ آغاز می‌شود؛ اما نمی‌توان روان‌کاوی را به آراء و آموزه‌های او محدود کرد. از این جهت، روان‌کاوی معاصر را روان‌کاوی پسا فرویدی می‌نامند. در میان همه نظریه‌پردازان پسا فرویدی، لکان^۲ پرآوازه‌ترین اندیشمند در روان‌کاوی است. ژک مری امیل لکان، پزشک و روان‌کاو فرانسوی، مهم‌ترین روان‌کاو پس از زیگموند فروید، بنیان‌گذار و پدر روان‌کاوی است. لکان به طرز عمیق و به طور بحث‌انگیز، روان‌کاوی را هم در مقام نظریه ذهن ناخودآگاه و هم در مقام فعالیتی بالینی دگرگون کرد؛ تا آن حد که اکنون، بیش از ۵۰ درصد روان‌کاوان دنیا از روش‌های لکانی استفاده می‌کنند (هومر، ۱۳۹۴، ص ۲-۱۱). درک لکان از من و هویت، بیشتر، با من در پیوند با امیال ناخودآگاه است. بنابراین، لکان روان‌کاوی خود را علیه روان‌شناسی من نفسانی پایه‌گذاری کرد (ایستوپ، ۱۳۹۰، ص ۸۴). وی به عنوان اندیشمندی شالوده‌شکن، نظریه‌ای ارائه می‌دهد که مرزهای رشته خود را پشت سر می‌گذارد و خود را با سیاست‌ورزی، فلسفه، ادبیات، علم، دین و همه عرصه‌های دیگر مربوط به ساختن نظریه‌ای فراگیر، درگیر می‌کند؛ نظریه‌ای که به تحلیل همه آن تلاش‌هایی می‌پردازد که انسان‌ها در آن نقش دارند.

از نظر وی، سوژه بین ایگو (من نفسانی) و ناخودآگاه، و بین آگاهی و ناخودآگاه تقسیم شده که همان سوژه شکافته است (فینک، ۱۳۹۷، ص ۱۰۶). بنابراین، هویت هر فرد یا جامعه‌ای در نحوه رابطه‌ای است که به طور درون ذاتی با غیر دارد. از منظر روان‌کاوی، ساخت عینیت اجتماعی و هویت سیاسی به شکل ساختاری بسته و درون‌گرا، در نهایت ناممکن است و به ناچار، انسان‌ها همواره درگیر ساختن هویت هستند، درست به این دلیل که ساختن هویتی کامل امکان‌پذیر نیست (Laclau, 1990, p. 44). نقطه عزیمت در روان‌کاوی سیاسی، مفهوم سوژه «لکانی»^۳ است؛ سوژه‌ای که در اصل چندپاره یا بیگانه شده، و لذا جایگاه استقرار هویتی محال، و مکان وقوع سیاست «همان‌انگاری» است. از منظر همین سوژه است که تحلیل سیاسی صورت می‌پذیرد. دیدگاه لکان به دلیل بینشی که از سوژه بشری ارائه می‌کند، در تحلیل اجتماعی-سیاسی معاصر بسیار مفید است (Barret, 1991, p. 107). مفهوم لکانی عاملیت، نقطه آغاز تحلیل‌های اجتماعی-سیاسی است.

1. Sigmund Freud

2. Lacan

3. The Lacanian Subject

یکی از مفاهیم نظریه روان‌کاوی، مفهوم «نقطه کاپیتون» است. از دیدگاه لفورت^۱، نقطه کاپیتون، دالی است که معنا را تثبیت و عناصر شناور آزاد را به چارچوب گفتمان مستقر منتقل می‌کند و به تعبیری، همان استعاره مرکزی است که حیات اجتماعی از آنجا سازماندهی می‌شود (Lefort, 1986, p. 219). کارکرد نقطه کاپیتون در منطق مفصل‌بندی گفتمانی هویدا می‌گردد. در هر گفتمانی، مجموعه‌ای از دال‌های شناور و دال‌هایی که در دیگر گفتمان‌ها مفصل‌بندی شده‌اند، از طریق لایه‌دو‌زی‌شان با دال مرکزی آن گفتمان، معنای خاصی به دست می‌آورند. آن‌ها معنایی کسب می‌کنند که نقطه کاپیتون آن گفتمان وضع کرده و موجب سلطه برخی دال‌ها می‌گردد (استاوراکاکیس، ۱۳۹۴، ص ۱۵۴). نقطه کاپیتون می‌تواند به صورت نقطه مرجع عمل کند؛ به شرطی که تجسم نقطه کانونی اتحاد گروه یا جمعی خاص باشد. نقطه کاپیتون در واقع کلمه‌ای است که از حیث دالیت، میدان واحدی را ایجاد می‌کند و هویتش را استوار می‌سازد؛ کلمه‌ای که به اصطلاح، هر چیزی باید خود به آن رجوع کند تا وحدت خودش را در آن بازشناسد و به جا آورد (ژیژک، ۱۳۸۹، ص ۱۷۲). نقطه کاپیتون، نقطه اشباع معناسی؛ نقطه‌ای که به تمام نقاط دیگر معنا می‌دهد. در یک کلام نقطه کاپیتون، نقطه سوژه‌مند شدن زنجیره دال است؛ این همان نقطه شخصیت‌بندی در زنجیره دال است. دال‌هایی که هنوز در حالت شناورند و دلالت‌شان تثبیت نشده است در نقطه‌ای خاص، یک دال معین، معنای زنجیره را تثبیت می‌کند؛ در واقع، معنا را به دال پرچ می‌کند (ژیژک، ۱۳۸۹، ص ۱۵۱-۱۷۴). کارویژه اصلی نقطه کاپیتون، ایجاد اتحاد است. افراد، بدون مشارکت نقطه کاپیتون (مانند پیشوا) به جای اینکه جمعیتی بسازند، آدم‌های منفرد هستند. در این چارچوب، ژیزک^۲ معتقد است، گره‌گاه‌های خاص (نقطه کاپیتون لکانی)، هویت‌آفرین و حافظ هویت هستند و موجب پیوند دال‌های شناور متکثر و تثبیت معنای آن‌ها می‌شوند، تا عرصه‌ای یکپارچه شکل بگیرد. لاکلا و موف^۳ نیز، گره‌گاه را عامل تثبیت گفتمان‌ها، تسلط بر عرصه گفتمانی، متوقف کردن جریان تفاوت و موجب ایجاد مرکز می‌دانند. این دو پژوهشگر، گفتمان ایدئولوژیک را به صورت مفصل‌بندی عناصر ایدئولوژیک حول نقطه کاپیتون یا گروهی از گره‌گاه‌ها تصور کرده‌اند؛ به نحوی که هویت‌شان در نتیجه عمل مفصل‌بندی مورد جرح و تعدیل قرار گیرد (Zizek, 1989, p. 87).

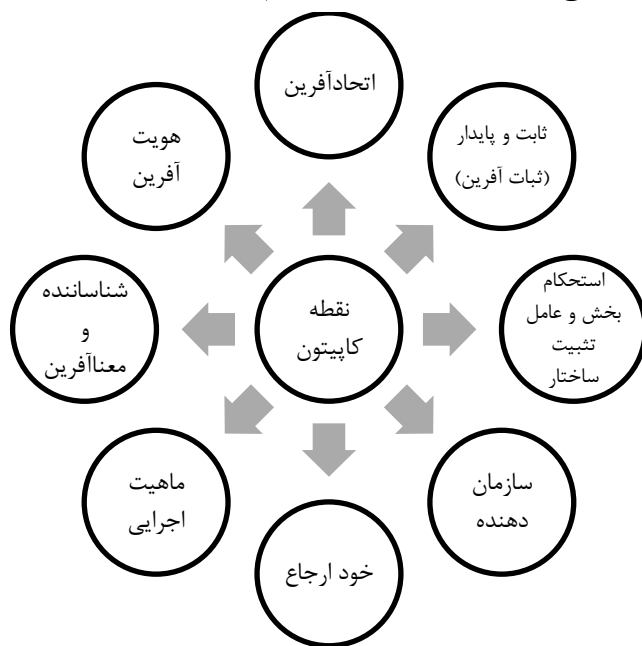
اهمیت نقطه کاپیتون، در ساختن و انسجام بخشیدن به جمع‌گرایی و عینیت‌های اجتماعی-سیاسی و موجب پیوندهایی است که توده را در کنار یکدیگر نگاه می‌دارد. پس می‌توان گفت که نقطه کاپیتون، واژه‌ای است که اشیاء و امور، خود به آن رجوع می‌کنند، تا از این طریق خودشان را در

1. Claude Lefort

2. Slavoj Zizek

3. Ernesto Laclau and Chantal Mouffe

شکلی وحدت‌یافته بازشناسند. تولید معنا بدون ارجاع به این جایگاه ساختاری ممکن نخواهد بود. این نقطه فی‌نفسه چیزی نیست، مگر نوعی تفاوت ناب که نقش آن کاملاً ساختاری و ماهیتش کاملاً اجرایی و در یک کلام، این نقطه یا این معرفت ثابت، دالّ بدون مدلول است. از این رو گام حیاتی در تحلیل یک نظام سیاسی این است که عنصر عامل استحکام نظام و حضور این عملکرد خودارجاع، همان‌گو و اجرایی تشخیص داده شود (ژریک، ۱۳۸۴، ص ۱۴۳-۱۴۸). در شکل شماره (۱)، مشخصه‌های اصلی مفهومی-کارکردی نقطه کاپیتون نشان داده شده است و تلاش می‌گردد با توجه به شاخص‌های استخراج شده، تحلیل نقش و جایگاه مقام رهبری در این چارچوب انجام شود.



شکل ۱- ویژگی‌های نقطه کاپیتون

۴. یافته‌ها

تبیین جایگاه کارکردی آیت‌الله خامنه‌ای به عنوان رهبر سیاسی-دینی جمهوری اسلامی و به مثابه نقطه کاپیتون، موجب غنی‌سازی بحث مربوط به رهبری نظام و تولید علم بومی و طرح نظریه‌ای متناسب با ساختار خاص حکومت اسلامی می‌گردد. ظهور نظام سیاسی مبتنی بر دین و دارای دو عنصر جمهوریت و اسلامیت با نقش محوری ولایت در دنیایی که سکولاریسم غلبه دارد، حیرت‌انگیز و روح جهان‌بی‌روح تلقی شد (فوکو، ۱۳۷۹، ص ۵۷). ولایت فقیه، جایگاه مهندسی نظام، حفظ خط و جهت و جلوگیری از انحراف به چپ و راست است. پاسداری و دیده‌بانی هدف‌های آرمانی،

مهم‌ترین نقش ولی فقیه دانسته می‌شود. در حکومت ولایی، مبنای مشروعیت، الهی است و حضور ولی فقیه به مثابه روحی در نظر گرفته شده که در کالبد نظام در جریان است؛ تاحدی که حکم آن در همه زمینه‌ها و در چارچوب قانون اساسی واجب‌الاطاعه می‌شود (بهروزی لک، ۱۳۸۵، ص ۸۰). بنابراین، ولی فقیه که خودارجاع و دارای ماهیت اجرایی است، با اشغال جایگاه کاپیتون نظام، باعث استحکام بخشی و تثبیت ساختار نظام می‌گردد. نقش حیاتی رهبری در جلوگیری از انحراف‌ها، حفظ وحدت، اجرای احکام و تصمیم‌گیری در مورد مشکلات اساسی، امری غیرقابل انکار بوده و از اختصاصات ایشان است. رهبری به عنوان پایگاهی محکم و محور جامعه اسلامی، در مسیر هدایت افراد، رفع اختلافات و جلوگیری از بروز فتنه‌ها ایفای نقش می‌کند. از این‌رو حکومت ولی فقیه عادل می‌تواند به عنوان مدل حکومتی سعادت‌بخش و وحدت‌آفرین به کشورهای اسلامی معرفی گردد. در ادامه بحث، به تفکیک، شاخصه‌های ممیزه مقام رهبری در قالب جایگاه نقطه کاپیتون مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۴-۱. عامل وحدت و بیعت

یکی از کارویژه‌های مهم رهبری، ایجاد وحدت در سطح جامعه میان نیروهای متعدد و سلايق متنوع است. آیت‌الله خامنه‌ای، وحدت ملی را یک مسئله مهم می‌دانند و از نظر ایشان مهم این است که وحدت جهت، وحدت مسیر و وحدت هدف محفوظ بماند تا اتحاد مسئولان و در نهایت اتحاد ملی شکل گیرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۱۰/۱۹). ایشان در سخنان متعدد بر حفظ وحدت توسط ملت تأکید داشته‌اند (مقام معظم رهبری، ۸۴/۱۱/۱۸). از دیدگاه ایشان، نمود این امر در راهپیمایی‌های مختلف حمایتی از نظام مشاهده می‌شود. همان‌طور که امیرالمومنین (ع) نقطه وحدت و محور وحدت است، ولی فقیه نیز در جامعه اسلامی محور وحدت خواهد بود.

برای نمونه بعد از پایان جنگ تحمیلی و کاهش خطر تهاجم خارجی، مسائل فکری- فرهنگی در حوزه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی موجب اختلاف و تفرقه گردید. اختلافات سیاسی و سلايق متفاوت دو جناح راست و چپ برجسته شد و در این شرایط رهبر انقلاب با تأکید بر آرمان و خط امام خمینی، همگان را به وحدت دعوت نمودند و هر نوع رفتار و گفتار اختلاف‌آمیز را دارای ممنوعیت دینی و شرعی دانستند (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۴/۳). همچنین در قضیه تشکیل دولت اصلاحات و ایجاد دودستگی‌ها و تفرقه‌ها، مقام رهبری با نفی این جبهه‌بندی سیاسی بر وحدت جناح‌های سیاسی تأکید داشتند. از دیدگاه ایشان، این جناح‌بندی‌ها غیرواقعی و بی‌معناست و تنها ملاک حقیقی برای ارزیابی افراد و گروه‌ها، اهتمام به ارزش‌هاست (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۴/۱۹). ماحصل این تلاش‌ها و هدایت‌های رهبری، به حاشیه رانده شدن اندیشه‌های

انحرافی از فضای فرهنگی جامعه و مسلط شدن گفتمان دفاع از انقلاب، توجه به ارزش‌ها و حل مشکلات واقعی مردم در فضای جامعه شد. همچنین ایشان در حل چالش نظری اصلاح‌طلبی از طریق گفتمان‌سازی و تبدیل اصول‌گرایی و ارزش‌مداری به گفتمان اصلی، موجبات وحدت ملی را فراهم آوردند. آیت‌الله خامنه‌ای وحدت را در سه سطح «وحدت مردم با یکدیگر»، «وحدت مردم با مسئولان» و «وحدت مسئولان و گروه‌های سیاسی با یکدیگر» مطرح می‌نمایند و در بزنگاه‌های مختلف با بیان شاخصه‌های هر یک از این سطوح، در قامت نقطه کاپیتون موجب حفظ وحدت ملی و انسجام اسلامی شده‌اند.

نوع روابط بین مردم و رهبری در نظام اسلامی از جنس بیعت است، که پایه‌ای مستحکم برای حفظ انسجام نظام فراهم می‌آورد. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای «آن‌هایی که در راه اسلام با پیغمبر بیعت کردند، در واقع با خدا بیعت کردند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۳/۳). پس بیعت امروز ملت با نظام اسلامی هم در طول بیعت با پیامبر و خداوند است. ایشان در سخنانی تأکید می‌کنند: «شما امروز وقتی با انقلاب بیعت می‌کنید و بیعتان را تازه می‌کنید و تجدید می‌کنید، با پیغمبر بیعت کردید. آن کسی که امروز با امام خمینی بیعت می‌کند، با پیغمبر بیعت کرده است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۰/۱۹)، و «پاداش آن کسانی که در راه خدا با بیعت الهی حرکت می‌کنند، پایداری می‌کنند، عزت است، سرافرازی است، آزادگی است، بزرگواری است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۳/۳). ایشان بارها گوشزد کرده‌اند که بیعت میان مردم و رهبری و نظام باید حفظ گردد: «بیعتی که با امام کردیم، با انقلاب کردیم، این بیعت را باید پاس بداریم... این بیعت را ما باید حفظ کنیم، نگه داریم. و به برکت این بیعت نسل کنونی - که خوشبختانه کشور ما سرشار از جوان و نشاط جوانی است - خیلی کارهای بزرگ را می‌توانیم انجام بدهیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷/۰۲/۱۲).

از نظر ایشان «بیعت در نظام اسلامی یک شرط برای حقانیت زمامداری زمامدار است... مشروعیت ولایت و حکومت به بیعت مردم وابسته است... فعلیت زمامداری و حکومت به بیعت مردم وابسته است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۶/۳/۲۲). بنابراین، در چارچوب مردم‌سالاری دینی رابطه‌ای متقابل میان مردم و ولایت برقرار می‌گردد که بیعت، نمادی از آن است. ایشان حضور مردم در تشییع پیکر شهید سلیمانی را «بیعت بزرگ با خط امام» دانستند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۱۰/۲۷). بنابراین، آنگونه که از مطالب فوق برمی‌آید، مقام رهبری در جایگاه نقطه کاپیتون، موجب ایجاد و حفظ وحدت ملی شده‌اند و تلاش می‌شود امت اسلامی گرداگرد ایشان - در جایگاه ولایت فقیه نظام اسلامی - شکل بگیرد. مردم با بیعت مکرر با ولی فقیه، وحدت و سازماندهی خود را حفظ می‌کنند و یکی از کارویژه‌های نقطه کاپیتون در این چارچوب محقق می‌گردد.

۴-۲. حافظ هویت و هادی ملت

از دیگر کارویژه‌های رهبری با عنایت به منظومه غنی فکری ایشان و اتکاء به دین مبین اسلام، ایجاد و حفظ هویت برای پیروان است، که یکی از شاخصه‌های مهم نقطه کاپیتون محسوب می‌شود و منجر به هدایت ملت در مسائل مختلف می‌گردد. آیت‌الله خامنه‌ای همواره تأکید داشته‌اند که ملت ایران باید «هویت خود را مستحکم کند». ایشان به ویژه در برابر دشمنان و جبهه استکبار (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۱۱/۲۹) مقاومت را لازم دانسته و معتقدند که باید همیشه در میدان بود و هویت ملی و سیاسی را حفظ کرد. ایشان به صراحت بیان می‌کنند که «انقلاب اسلامی به ما هویت داد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۳/۱۷) و هدف انقلاب، تغییر جامعه دنباله‌رو غرب به یک جامعه با هویت مستقل بود. همچنین ایشان، «دفاع مقدس را بخشی از هویت ملی» ایرانیان دانسته که مظهر بروز هویت والا و برجسته ملت بوده است و موجبات پیروزی در جنگ را فراهم آورد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۶/۳۱). به زعم ایشان، یکی از مواردی که در حفظ مرز هویت ملی تأثیر زیادی دارد، حفظ خاطرات دوران باشکوه دفاع مقدس است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۷/۲۳). ایشان تأکید می‌فرمایند که انقلاب و جنگ به منظور دفاع جانانه از هویت ملی بود (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۵/۸)، و حضور در راهپیمایی‌ها به ویژه راهپیمایی ۲۲ بهمن، نشانه‌ای از دفاع از هویت مردم ایران است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۱۱/۲۹). ایشان حتی استقلال، عزت و پیشرفت را، پایه‌های هویت ایرانی با خصوصیات اسلامی می‌دانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۸/۴/۵) بنابر آنچه بیان شد، مقام رهبری، خط سیر و چارچوب بسط و حفظ هویت را در قامت نقطه کاپیتون بیان نمودند تا مهم‌ترین مشخصه یک جامعه انقلابی دین‌مدار مورد غفلت واقع نشود.

یکی از عوامل مهمی که موجب حفظ هویت می‌گردد، وجود یک ایدئولوژی غنی در جامعه است. به عقیده آیت‌الله خامنه‌ای «ایدئولوژی به دنبال تأمین و حفظ منافع ملی است و هویت یک ملت محسوب می‌شود» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۴/۳۰). ایشان در جایی دیگر بیان می‌دارند که «ما به برکت اسلام توانسته‌ایم هویت ایرانی خود را حفظ کنیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۲/۱۰). بنابراین، مهم‌ترین دغدغه رهبری در این موضوع، حفظ هویت مذهبی - انقلابی امت، به ویژه جوانان بوده است؛ که در این راستا، از همان ماه‌های پایانی جنگ تحمیلی به تشخیص و هشدار در خصوص گشایش یک جبهه‌بندی عظیم فرهنگی علیه کشور پرداختند (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۹/۷)، و در سال ۱۳۶۹ با به‌کارگیری واژه تهاجم فرهنگی و هشدار در ارتباط با آن، مانع فروپاشی هویتی در سطح جامعه شدند. در نتیجه، حفظ بافت هویتی جامعه که از کارویژه‌های نقطه کاپیتون است، توسط ایشان پیگیری می‌شود.

هویت با معنویت پیوندی عمیق دارد؛ بنابراین، جوانان که روح معنویت در وجودشان باشد، نگهدارنده هویت کشور هستند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۳/۲۰). اگر عزت ملی نباشد، هویت نابود می‌شود و اگر هویت نباشد، جامعه مغلوب می‌گردد. در این راستا، ایشان بر نقش آموزش و پرورش در نهادینه کردن هویت ملی که آینده‌ساز کشور است، تأکید دارند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۲/۱۹) و می‌فرمایند: نقش آفرینی معلمان و اساتید باید مورد توجه باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶/۳/۳۱). بر همین مبنا، توجه و تأکید بر موضوع آموزش و پرورش، محتوای کتب درسی و محیط مدارس از دغدغه‌های دائمی ایشان بوده و در طول حیات نظام جمهوری اسلامی، این مبحث از اهمیت بالایی برخوردار بوده و به مسئله‌ای محوری در هدایت امت تبدیل شده است.

مدل رهبری و اعمال آن در نظام اسلامی با تأکید بیشتر بر شیوه اقناعی است و یکی از تفاوت‌های نقش ولی فقیه با سایر رهبران دنیا در این است که وی می‌خواهد به ویژه در حوزه معنویت، جامعه را ارتقاء دهد و هدایت کند؛ برای مثال، ایشان به عنوان هادی ملت در مسئله هسته‌ای و در ابتدای تشکیل دولت یازدهم، در خصوص عدم خوش‌بینی نسبت به مذاکرات هشدار دادند: «من فکر نمی‌کنم از این مذاکرات آن نتیجه‌ای را که ملت ایران انتظار دارد، به‌دست بیاید» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۸/۱۲). بنابراین، هدایت ملت در مسائل مختلف در قالب ارائه راهکار، توصیه و تذکر، امری متداول و جاری است. همچنین یکی از چالش‌های نظری در جامعه ایران که ریشه در گذشته دارد، چالش جدایی دین از حکومت است. این چالش هم از جانب متحجران و هم مدافعان سکولاریسم مطرح می‌گردد و آیت‌الله خامنه‌ای با بیان استدلال‌هایی متقن، بر همراهی دیانت با سیاست تأکید نموده و اسلام سیاسی را در جامعه نهادینه کرده‌اند که به عنوان هویت غالب ملت ایران پذیرفته شد. مجموع عملکرد رهبری در طول سالیان گذشته در بزنگاه‌های حساس، حکایت از ایفای کارویژه حفظ هویت و هدایت‌گری دارد که از ویژگی‌های نقطه کاپیتون است.

۴-۳. حافظ نظام و اجتناب از انحراف

حفظ ثبات سیاسی در طول تاریخ به‌ویژه یک قرن اخیر، همواره برای دولت‌ها و ملت‌ها از اهمیت و اولویت خاصی برخوردار بوده است. علاوه بر اسلام و امت، مهم‌ترین رکن مقابله با بدخواهان، رهبری است که توانایی مقابله با جنگ نرم و عبور از تمامی بحران‌ها، وضعیت‌های سخت و دشوار و انواع فتنه را به نمایش گذاشته است. رهبری انقلاب به عنوان قاند و مقتدای مردم و در قالب نقطه کاپیتون، حفظ نظام اسلامی و دوام و بقای آن را مهم‌ترین اولویت کشور می‌داند. ماندگاری و ثبات نظام اسلامی با هوشیاری و درایت رهبری انقلاب و حمایت مردم در حول ایشان تحقق یافته و همین امر باعث شد تا نظام اسلامی ثابت و استوار به حیات خویش ادامه دهد. رهبری همواره نقشی

بی‌بدیل در ثبات سیاسی و مدیریت رخداد‌های بی‌ثبات‌ساز داشته‌اند. عقلانیت انقلاب اسلامی مورد نظر رهبری، در تمامی عرصه‌های مختلف فلسفی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی ایفای نقش می‌کند و موجب استحکام و عامل تثبیت ساختار نظام شده است.

رهبری، در بسیاری از موارد با استفاده از نفوذ معنوی خویش به تحکیم ثبات سیاسی و حل و فصل اختلافات و منازعات مبادرت می‌ورزند؛ برای نمونه، در دوره سازندگی، ایشان با تأکید بر حفظ و بسط عدالت اجتماعی در کنار رونق اقتصادی، به نفی این مسئله پرداختند که به بهانه سازندگی و رونق، عده‌ای از تمکن و برخوردارانی بیشتری برخوردار شوند و عده‌ای فقیرتر گردند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۵/۱۲)؛ توجه ایشان به این مهم، منجر به حفظ ثبات و پیوستگی در کشور شد. آیت‌الله خامنه‌ای، به مسئولین قوا تأکید می‌کنند که ثبات کشور نباید بر هم بخورد؛ زیرا دشمنان مانند حوادث ۷۸ و ۸۸ به دنبال برهم زدن ثبات سیاسی هستند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۴). نکته مهم در جمهوری اسلامی آن است که ثبات و استقرار انقلاب از نسلی به نسل دیگر منتقل شده و مردم، خط و راه امام خمینی را ادامه می‌دهند. از نظر ایشان، نظام جمهوری اسلامی به برکت ایمان مردم و بصیرت ملت توانسته است یک کشور با ثبات باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۷/۲۴)؛ البته ایشان هشدار می‌دهند که ثبات غیر از رکود است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۵/۱۶)؛ زیرا ثبات عامل پیوستگی است. بدیهی می‌نماید که حساس‌ترین و پراثرترین حوادث سیاسی کشور، برگزاری متناوب انتخابات ریاست جمهوری است و این واقعه این امکان را به وجود می‌آورد که مبارزات انتخاباتی و نتایج حاصل، موجبات بی‌ثباتی و تفرقه را فراهم نماید. اما آنچه از واکنش مقام رهبری در این دوره‌ها مشاهده شده، مدیریت فضای ملتهب بعد از مناظره‌ها و ترسیم فضای امید و چشم‌انداز مثبت برای کشور بوده که ایشان در قامت نقطه کاپیتون، موجبات حفظ ثبات و پیوستگی را در کشور فراهم آورده است.

یکی از اقدامات مهم رهبری در حفظ ثبات نظام، تشخیص به موقع طرح دشمن در بازسازی طرح فروپاشی شوروی در داخل بود. ایشان با اشاره به سرمایه‌گذاری آمریکا و ضدانقلاب داخلی برای انتخاب فردی نظیر گورباچف به‌عنوان رئیس‌جمهور، تا بتواند اسلامیت نظام را نفی، نارضایتی‌ها را گسترش و مبلّغ فرهنگ و اصلاحات آمریکایی باشد، با تذکرات و اقدامات پیشگیرانه، این طرح را در دوره اصلاحات خنثی نمودند. ایشان با اشاره به این نکته که «رهبری مسئولیت دارد؛ مسئولیت رهبری، حفظ نظام و انقلاب است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۴/۱۹)؛ از اینکه بخش‌های مختلف آهنگ‌ساز بزنند، پیشگیری نمودند. ایشان با طرد الگوهای اصلاحات تحمیلی بر حفظ ثبات و اجتناب از بی‌رویه بودن تأکید داشتند و اولویت اصلاحات را مبارزه با فقر، فساد و تبعیض عنوان

نمودند. همچنین در این برهه، تلاش بر اجرای طرح القاء حاکمیت دوگانه در سطح کشور بود که در صورت تحقق، منجر به بی‌ثباتی و شکاف شدید می‌گردید. این طرح، وحدت ملی را نشانه گرفته بود که با بصیرت رهبری، بدخواهان منزوی شده و یکپارچگی و همدلی در مدیریت کشور حفظ گردید (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۸/۲۱). مشخص است که در کشورهایی که از نعمت ثبات محروم‌اند، دستاوردهای ملی متزلزل می‌گردد. در راستای محو دستاوردها، دشمنان انقلاب از طریق جنگ نرم به دنبال حصول به اهداف سه‌گانه «استحاله»، «بی‌ثبات‌سازی» و «براندازی» هستند که مقام رهبری در چارچوب ایفای کارویژه‌های نقطه کاپیتون، با تبیین نظری محورهای چالش جنگ نرم و تهاجم فکری دشمن به گفتمان‌سازی و مدیریت فرهنگی در این حوزه اقدام نمودند تا ثبات و پیوستگی نظام آسیبی نبیند.

از وظایف رهبران هر جامعه، مهندسی نظام سیاسی- اجتماعی در جهت رفع ایرادها و مدیریت بحران‌هاست. آیت‌الله خامنه‌ای نیز تأکید می‌کنند پس از تحقق انقلاب اسلامی، نظام اسلامی شکل می‌گیرد. از نظر ایشان، نظام اسلامی یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن تا دولت اسلامی محقق شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۹/۱۲). بنیاد اصلی مهندسی نظام در جمهوری اسلامی، مبتنی بر دین است. همچنین ایشان همواره بهترین شاخص برای صیانت از جهت‌گیری‌های اصلی انقلاب اسلامی را خود امام خمینی و خط ایشان دانسته‌اند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۱/۳/۱۴)؛ که مانع بزرگی در مقابل انحراف است. ایشان به مسئولان کشور توصیه می‌کنند، مهندسی کلی کشور را دائماً زیر نظر داشته باشند؛ زیرا با انسجام و اتحاد کلمه و همدلی، کشور، عزت و هیبت پیدا می‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴/۳/۸) و صرفاً با یک مهندسی کلان می‌توان جزئیات را ترتیب داد. یکی از جنبه‌های مهندسی نظام، مهندسی فرهنگی است که مورد تأکید رهبری نیز است. به طور مثال، ایشان در مسائل مختلف و حوزه‌های اساسی کشور قائل به ایجاد سندهای مکتوب و مدون و اسناد بالادستی‌اند، تا با مهندسی فرهنگی از انحراف جلوگیری شود؛ زیرا با یک نقشه مهندسی فرهنگی می‌توان مسیر را دنبال کرد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۳/۲۳).

در خصوص بحث انحراف، ایشان معتقدند، اگر کسی بخواهد از ارزش‌های اسلامی و انقلابی عدول کند، این انحراف است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۳/۱۴). در نتیجه، برای اینکه انقلاب دچار انحراف نشود، نیاز به وجود شاخص‌هایی است. بهترین شاخص‌ها خود امام و خط ایشان است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۳/۱۴). درحقیقت، حرکت حزب‌اللهی و پایبندی به اصول است که می‌تواند در مقابل انحراف‌ها مصونیت ایجاد کند و مکمل آن مهندسی مستمر نظام در جنبه‌های مختلف آن است. ولایت فقیه در قامت نقطه کاپیتون، جایگاه مهندسی و حفظ جهت نظام اسلامی را

دارد و باید از انحراف آن به چپ و راست جلوگیری کند، تا از حرکت کلی نظام به سمت هدف‌های آرمانی و عالی آن پاسداری کند. در همین راستا می‌توان به تأکید ایشان بر عدم ضرورت تغییر قانون اساسی اشاره نمود که در پی آن، برنامه‌ریزی‌های برخی از اعضای حزب کارگزاران برای تداوم ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۷۵ خنثی گردید. در مقاطع بعدی نیز، رهبری هر زمان که گفتار یا رفتار کارگزاران نظام را موجب انحراف از خط سیر اصلی انقلاب تشخیص می‌دادند، به طور مستقیم اقدام می‌نمودند؛ برای مثال در ۱۶ مرداد ۱۳۷۹ در مخالفت با طرح تغییر قانون مطبوعات در مجلس ششم، ضمن صدور حکم حکومتی، مانع نفوذ دشمنان و تسلط آنها بر مطبوعات داخلی شدند. یکی دیگر از مصداق‌های بارز مهندسی نظام و اجتناب از انحراف را - به عنوان کارویژه مهم نقطه کاپیتون - می‌توان در اجرای رهبری آیت‌الله خامنه‌ای در پیروزی ملت و نظام بر فتنه ۸۸ مشاهده نمود. ایشان در فتنه ۸۸ با بهره‌گیری صحیح از سرمایه انسانی و تعامل با مردم و دیگر عناصر ذی‌نفع، صحنه را به گونه‌ای مدیریت نمودند که منجر به پیروزی بر معارضان و دشمنان شد. در حوزه سیاست خارجی نیز، ایشان با تأکید بر دو سمت‌گیری عدم تعهد در برابر قدرت‌های بزرگ و اتحاد و ایجاد ائتلاف با جهان اسلام، به مهندسی سیاست‌های کلی سیاست خارجی پرداختند. افزون بر آن در مسئله اجتناب از انحراف نظام، مشاهده شد که در جریان تجاوز صدام به کویت، عده‌ای با مشاهده شلیک چند موشک به اسرائیل توسط صدام، خواستار گشایش جبهه نظامی به نفع وی گردیدند؛ اما با تدبیر مقام رهبری که جنگ صدام و آمریکا را جنگ باطل با باطل نامیدند، انقلاب را از انحرافی بزرگ نجات دادند. در قضیه انتخاب مشایی به سمت معاون اولی رئیس جمهور وقت نیز، ایشان به طور مستقیم با حکم حکومتی خواستار لغو انتصاب مزبور شده و مانع انحراف نظام شدند.

۴-۴. معناآفرینی با سازندگی نظامی نوین

دکترین آیت‌الله خامنه‌ای در مواجهه با جاهلیت مدرن، مبتنی بر فلسفه بعثت پیامبر با هدف بسط نهضت علمی و جنبش نرم‌افزاری شکل گرفته است (منتظری و منتظری، ۱۳۹۴، ص ۸۵). این موضوع نشان‌دهنده نقش محوری رهبری در معناآفرینی است که با دکترین خاص خود، مسیر حرکت و استراتژی‌ها و تاکتیک‌ها را روشن نموده‌اند. همچنین در منظومه فکری ایشان، مضمون‌های دین‌محوری، درهم‌تیدگی عدالت - عقلانیت - معنویت، عدالت‌خواهی، استکبارستیزی و مردم‌سالاری، کلیدی است که مفاهیمی عملی و تمدن‌ساز هستند (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۵۳) و از حیث جایگاه کاپیتونی رهبری، مضامینی شناساننده و معناآفرین محسوب می‌شوند. انقلاب اسلامی با توجه به مبانی دینی خود، توان تولید علم را در حوزه اندیشه دارد، که مهم‌ترین آن مدیریت رهبر الهی به عنوان ولی فقیه است، که می‌تواند در حوزه نظریه‌پردازی و اندیشه‌ورزی به آن

پرداخت. رهبری با مفهوم‌سازی و گفتمان‌سازی، نوعی ریل‌گذاری برای نظام انجام داده و همواره ابتکار عمل را در دست داشته‌اند. مهم‌ترین این مفاهیم عبارتند از: جریان‌سازی خودی و غیرخودی، اصول‌گرایی و اصلاح‌طلبانه، نام‌گذاری سال‌ها براساس اولویت‌های اصلی کشور، گفتمان دولت اسلامی و تمدن اسلامی، اقتصاد مقاومتی و پیشرفت درون‌زا و مکتب شهید سلیمانی.

مقام رهبری در قامت یک مجتهد جامع‌الشرایط در فرصت‌های مختلف و در بیاناتشان سعی نموده‌اند، منظومه فکری‌شان را عرضه نمایند که در این منظومه برای مفاهیم اساسی و برخی مطالب جدید و مستحدثه، تعاریف و معانی عرضه می‌گردد. اهمیت انقلاب اسلامی نه در سرنگونی یک حکومت، بلکه در عرضه یک منظومه فکری نو به دنیا بود و این منظومه فکری در حال پیشرفت است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۶/۱۲). بنابراین، ایشان در موقعیت‌های مختلف تلاش نموده‌اند از کلیدواژه‌های مطرح در سطح جامعه، تعریفی درخور ارائه دهند تا گفتمان انقلاب اسلامی ساری و جاری باشد. برای نمونه با طرح مفهوم اصلاحات انقلابی به طرد اصلاحات آمریکایی پرداختند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱/۲۶)، تا از نفوذ اندیشه‌های التقاطی و موج‌سواری معاندین انقلاب جلوگیری شود. در بحث تهاجم فرهنگی، ایشان با تأکید بر نقش شورای عالی انقلاب فرهنگی، ترغیب نخبگان به مهندسی فرهنگی، راه‌اندازی جنبش نرم‌افزاری تولید علم و برجسته‌سازی تهاجم فرهنگی، با عناوینی همچون «شبیخون»، «استحاله» و «ناتوی فرهنگی»، اقدام به معناآفرینی و گفتمان‌سازی نمودند، تا از اثرات تهاجم فرهنگی و جنگ نرم دشمن بکاهند. در این راستا، تقویت هنر و شعر انقلابی از طریق تشویق هنرمندان و شعرای انقلابی، دیدار و توصیه به آن‌ها به همراه راه‌اندازی کرسی‌های آزاداندیشی و نظریه‌پردازی اثر برجسته‌ای در معناآفرینی، در قامت نقطه کاپیتون داشته است.

معناآفرینی مقام رهبری منجر به سازندگی نظام سیاسی و بالندگی آن شد. مردم‌سالاری دینی، انتخابات را در کشور و نظام جمهوری اسلامی معنا می‌کند و امری بسیار پیشرفته و معنادار شده که محصول پنج حلقه از یک زنجیره منطقی نظام‌سازی است. حلقه اول، انقلاب اسلامی بعد تشکیل نظام اسلامی، سپس دولت اسلامی و بعد جامعه اسلامی و نهایتاً امت اسلامی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۷/۲۴). یکی از چالش‌های نظری در طول حیات نظام، جریان اصلاحات بود که برخی از عناصر آن با گرایش‌های سکولار تلاش نمودند جمهوریت را در مقابل اسلامیت نظام قرار دهد. در همین برهه زمانی، آیت‌الله خامنه‌ای به تبیین مردم‌سالاری دینی پرداختند و در چارچوب معناآفرینی به تشریح روش‌های ارزش‌مدار آن اقدام نمودند، که به تعبیری با سازندگی نظامی نوین، جبهه دوگانه‌سازی تقابلی میان جمهوریت و اسلامیت را بی‌اثر نمودند و این دو مهم را دو بال مردم‌سالاری دانستند. آیت‌الله خامنه‌ای با طرح و بسط مفهوم اقتصاد مقاومتی به عنوان راهبردی

اساسی که منجر به حمایت از تولید ملی، استقلال اقتصادی، گسترش عدالت اجتماعی و کاهش وابستگی به ذخایر زیرزمینی می‌گردد، موجبات عزت ملی را فراهم کرده‌اند. در حوزه سیاست خارجی نیز، ایشان با طرح مفاهیمی مانند «ایفاگر نقش‌های ملی سنگر انقلاب»، «مبارزه با امپریالیسم»، «مدافع اسلام»، «دولت سرمشق»، «توسعه داخلی»، «دولت مستقل»، «ضدیت با صهیونیسم» و «رهبر و حافظ منطقه»، ضمن ساخت مفاهیمی بدیع، به پردازش نظامی نوین و نقشه راهی معنادار برای کارگزاران سیاست خارجی پرداختند. این معناآفرینی نظام‌ساز به عنوان کارویژه‌ای مهم و یکی از مشخصه‌های نقطه کاپیتون به خوبی توسط رهبر انقلاب اسلامی پیاده شده است.

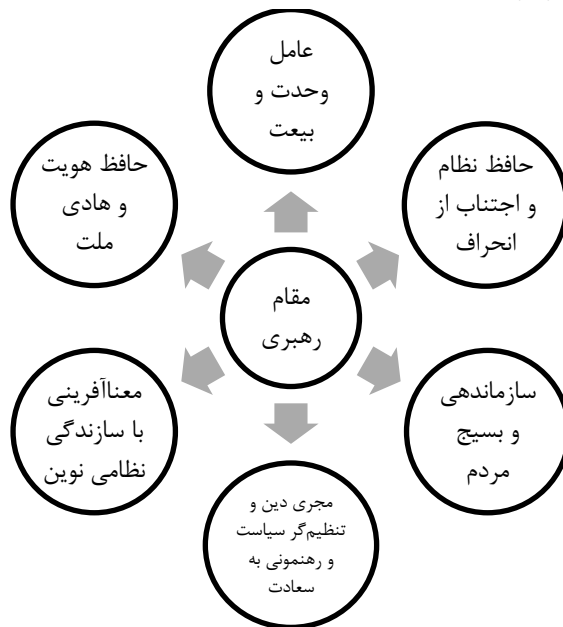
۴-۵. سازماندهی و بسیج مردم

انقلاب اسلامی با بسیج گسترده مردمی به پیروزی رسید. در طول حوادث پس از انقلاب نیز، نقش رهبری در بسیج مردمی و گذر از بزنگاه‌های پیش آمده، بسیار برجسته می‌نماید. در رهبری به‌ویژه الگوی اسلامی و شیعی آن، هدف نهایی شکست دشمن به دست پیروان است تا امت به پای رهبر حرکت کرده باشد (حسینی جیردهی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۷۰). محور حرکت رهبری انقلاب نیز تلاش برای ورود مردم به صحنه و حضور فعالانه آنان در حوادث مختلف است. بسیجی شامل جوان، مرد، زن، نخبه و مؤمن می‌شود که در میدان عمل حضور دارند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۹/۶) و با اشاره رهبر در مقاطع حساس با حضور در صحنه، بر حوادث و روایات مختلف اتمام حجتی کرده‌اند. همواره اجرای بخشی از مأموریت‌ها مستلزم تعامل سازنده و اثربخش با مردم است. جامعه می‌تواند رهبری را در رسیدن به اهداف یاری کند. بنابراین، بسیج مردم و تثبیت حضور آنان در صحنه از وظایف و قابلیت‌های مهم یک رهبر به‌ویژه از منظر نقطه کاپیتون است. در حماسه نهم دی‌ماه ۱۳۸۸، حضور حداکثری مردم و نمایش قدرت سازماندهی و بسیج‌گر رهبری شاهد خوبی بر این ادعاست. رهبر معظم عنوان بسیجی را فراگیر می‌دانند. به‌زعم ایشان، هرکس که در بستر اعتقادی، انسانی و اسلامی باشد، عضو بسیج محسوب می‌گردد؛ کشور علاوه بر نیاز به نیروی مقاومت بسیج، به بسیج عظیم مردمی در همه میدان‌ها نیازمند است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۸/۲۱) و این مهم در تمامی حوادث اعتراضی که در کشور رخ داده، قابل مشاهده است؛ مانند حوادث سال ۸۸، دی‌ماه ۹۶ و آبان ۹۸ که با کمک از بسیج مردمی به اعتراضات پایان داده شد. قدرت سازماندهی و بسیج مردم توسط رهبر جمهوری اسلامی، یکی از نقاط قوت نظام اسلامی و از کارویژه‌های مهم نقطه کاپیتون محسوب می‌گردد که وجه ممیزی از دیگر نظام‌های سیاسی است؛ تاحدی که قوت در بسیج مردمی در حوادث مختلف منجر به حفظ شاکله نظام و گذری آرام از گردنه بحران‌ها گردیده و دشمنان را ناکام گذاشته است.

۴-۶. مجری دین، تنظیم‌گر سیاست و رهنمونی به سعادت

یکی از ویژگی‌های نقطه کاپیتون، ماهیت اجرایی است. چه در مرحله تخریب و سلب مشروعیت نظام طاغوت و چه در مرحله پیروزی انقلاب، علاوه بر نقش عواملی همچون مذهب و فرهنگ و تاریخ تشیع، نقش رهبری در اجرای دین و مذهب برجسته است. در مردم‌سالاری دینی، اعتبار همه مسئولان به این است که خود را کمریسته دین خدا و مجری قوانین و متعهد به قانون اساسی بدانند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۵/۱۱). این ماهیت اجرایی اسلامی با هدف کسب سعادت پیاده می‌گردد. ایشان صریحاً اعلام می‌کنند در همه کارهایی که ما انجام می‌دهیم و در همه تصمیمات و مسائل، وظیفه ما تحقق بخشیدن به اسلام است، باید دنبال اسلام کامل باشیم (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱). در این بیانات ایشان خود را مجری دین معرفی کرده است و در عمل نیز، اولویت دین در سیاست‌گذاری‌ها توسط ایشان مشاهده می‌گردد. ایشان بر این اعتقادند که ولایت فقیه در جامعه مدینه‌النبی در رأس همه امور است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۱۲/۴). اسلام می‌تواند میدان سیاست را، میدان زندگی را، میدان اداره کشور را، میدان به صحنه آوردن مردم با همه توانشان و ظرفیتشان را به بهترین وجهی اداره کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۷/۴/۲۵). در همین راستا، با پایان یافتن جنگ تحمیلی، ایشان اولویت نظام را سازندگی در تمام ابعاد مادی و معنوی (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۴/۳) دانستند و به تعبیری به تنظیم سیاست‌ها و اولویت‌ها پرداختند. اسلام یک دین سیاسی است و دولت نمی‌تواند نسبت به آموزه‌های اسلامی، انفعالی رفتار کند؛ بلکه دولت باید مجری احکام و آموزه‌های اسلامی باشد. در واقع «آن عاملی که در اسلام ضامن اجرای احکام است، حکومت اسلامی و حاکمیت احکام قرآن است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۱/۱۶). بنابراین، ولایت فقیه نه یک امر نمادین و تشریفاتی و نصیحت‌کننده، بلکه مانع توقف حرکت نظام و مانع انحراف از ارزش‌ها و اهداف است. پاسداری و دیده‌بانی حرکت کلی نظام به سمت هدف‌های آرمانی و عالی، مهم‌ترین و اساسی‌ترین نقش ولایت فقیه است. این نقش از متن فقه سیاسی اسلام و از متن دین استنباط می‌شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۱۴). در نگاه ایشان، «اسلام سیاسی؛ یعنی اسلامی که سیاست اداره جامعه را و مدیریت جامعه را برعهده می‌گیرد، یعنی اسلام می‌شود مدیر جامعه» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۵) و ولی فقیه، همزمان مجری کارویژه‌های دینی و سیاسی است. در جمهوری اسلامی، تلفیق دین و سیاست عیان است و در گفتار، نهادها، تصمیم‌سازی‌ها و خروجی‌های سیستم نمود دارد. به طور مشخص نهادی مانند شورای نگهبان، بازوی رهبری در تحقق این کارویژه مهم است که اجرای سیاست دینی را تنظیم می‌کند. ماهیت اجرایی و تنظیم‌گری به عنوان یکی از شاخص‌های نقطه کاپیتون، در عملکرد رهبری در طول سالیان گذشته کاملاً برجسته بوده است.

رهبر انقلاب اعتقاد دارند، سندها و سیاست‌های کلی نظام محصول تصمیم و تفکر رهبری است و مهم‌ترین وظیفه رهبری، تنظیم سیاست‌های کلی است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۵/۲۶). ایشان تاکید دارند که رهبری برای برنامه‌های کشور، سیاست‌گذاری می‌کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۱۲/۴). و دین باید در محیط سیاست، در محیط زندگی و در نظام اجتماعی دخالت کند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۵/۱/۱). سیاستی که آمیخته با معنویت است، از راه سعادت به دور نمی‌افتد. سیاست یعنی اداره درست جامعه، این جزو دین است و تقوای سیاسی باید رعایت شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۱/۵/۵). در نهایت، این اجرای دین و تنظیم سیاست باید به سعادت منجر گردد؛ زیرا «هدف نهایی عبارت است از رستگاری انسان» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹/۹/۱۰). در شکل (۲) جایگاه مقام رهبری به عنوان نقطه کاپیتون نظام اسلامی نشان داده شده و شاخصه‌های اصلی نقش ایشان ذکر گردیده است.



شکل ۲- شاخصه‌های مقام رهبری در نقش نقطه کاپیتون

۵. نتیجه‌گیری

ولایت فقیه در اسلام از جایگاه معنوی و پایگاه اجتماعی والایی برخوردار است و نقطه کانونی نظام سیاسی جمهوری اسلامی محسوب می‌گردد. در نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه، اکثر مردم سخنان رهبری را فصل‌الخطاب می‌دانند و به عنوان یک تکلیف از عمق وجود، از آن اطاعت می‌کنند. نفوذ کلام رهبری، جذبه بی‌نظیری دارد. رهبری با این نفوذ معنوی قادر است،

بسیاری از چالش‌ها را برطرف، توطئه‌ها را خنثی و در مواقع لزوم مردم را بسیج کند. امام خمینی معتقد بودند، ولایت فقیه، ولایت بر امور است تا نگذارد این امور از مجاری خودش بیرون برود. آیت‌الله خامنه‌ای نیز، اصل ولایت فقیه را ایجاد میلیون‌ها رابطه دینی میان دل‌های مردم با محور و مرکز نظام دانسته و تأکید نموده‌اند، بحث شخص نیست، بحث هویت و معنا و شخصیت در میان است. بنابر آنچه ذکر شد، ولی فقیه از منظر احراز جایگاه نقطه آجیدن و اعمال کارویژه‌هایی خاص - شماره (۲) - نقشی بی‌همتا در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایفا می‌کند.

آیت‌الله خامنه‌ای در قامت نقطه آجیدن، نقش مردم و نخبگان را در متن دفاع از نظام و دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی برجسته کرده و همبستگی و اتحاد ملی و انسجام اسلامی را محقق ساخته‌اند. در رهبری، به‌ویژه الگوی اسلامی و شیعی آن، هدایت کلی با اقناع و آگاه‌سازی همراه است و در این راستا، تعامل ویژه‌ای با پیروان شکل می‌گیرد. آیت‌الله خامنه‌ای در طول دوران رهبری خود که جامعه با بحران‌های متعددی مواجه بود، با هدایت هوشمندانه و پیش‌برندگی عزت‌مدارانه، بارها به مدیریت بحران‌ها و سازماندهی مجدد سیستم اقدام کرده‌ند. این سازمان‌دهندگی، همزمان با اتحادآفرینی رخ داده است. اعمال کارویژه‌های فوق توسط ایشان، حکایت از تحقق شاخص‌های نقطه کاپیتون توسط مقام رهبری، در ساختار نظام جمهوری اسلامی دارد. چگونگی تعامل رهبری با توده مردم نشان می‌دهد، محوریت حرکت ایشان آگاه‌سازی و معناآفرینی برای پیروان خویش است و برای ورود آن‌ها به صحنه و قرارگیری در متن حوادث، تلاش وافر انجام داده‌اند. اگر انقلاب اسلامی نه یک حادثه منطقه‌ای، بلکه یک واقعه تاریخی و آغاز یک عصر جدید در نظر گرفته شود که به دنبال بنای یک تمدن اسلامی است، دستیابی به اهداف والا، استمرار در آرمان‌خواهی و تثبیت و پایداری نظام، در گرو شناخت و اتکاء به نقطه کاپیتون نظام اسلامی، یعنی کانون مرکزی اتحاد و معنادهی آن، ولی فقیه است. شمار کثیری از تعبیر و تفاسیر در مورد موضوعات مختلف پیش آمده یا موجود در سطح جامعه، از طریق مداخله نقطه آجیدن (مقام رهبری) درون یک حوزه یکپارچه سامان می‌یابد؛ نقطه‌ای که از تعارض و منازعه آراء و تعبیر جلوگیری می‌کند و موضع راستین را تثبیت می‌نماید. از این منظر، می‌توان مقام رهبری را در قالب «دیگری بزرگ» که به عنوان تنها عرصه ممکن حقیقت و ثبات‌آفرین که به دنبال بازیابی تمامیت است، تحلیل کرد. مقام رهبری هم در نقش دال تثبیت‌کننده زنجیره دال‌های گفتمان انقلاب اسلامی، هم در قالب نقش نقطه کاپیتون، عامل اصلی هویت‌یابی توسط پیروان مکتب امام خمینی تلقی می‌شود. در این راستا، ولی فقیه با ایجاد هم‌افزایی، وحدت رویه میان قوا و تمامی دستگاه‌ها و همکاری میان مسئولان، در مسیر تحقق ثبات، امنیت و پیشرفت کشور عمل و اقدام نموده‌اند.

منابع

- استاورا کاکیس، یانیس (۱۳۹۴). *لاکان و امر سیاسی*. ترجمه محمدعلی جعفری. تهران: ققنوس.
- اسماعیلی، محمدمهدی؛ عباسی فیروزجاه، میثم (۱۳۹۵). *عقلانیت انقلاب اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای*. *مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس*، ۲(۲)، ص ۵۳-۷۰.
- ایستوپ، آتونی (۱۳۹۰). *ناخودآگاه*. ترجمه شیوا رویگریان. تهران: مرکز، چاپ سوم.
- بهریزی لک، غلامرضا (۱۳۸۵). *کلام سیاسی در اندیشه مقام معظم رهبری*. *حصون*، شماره ۱۰، ص ۸۰-۱۰۲.
- حسینی جیردهی، حسین؛ علوی وفا، حمید (۱۳۹۶). *الگوسازی رهبری حضرت امام خامنه‌ای در مهر فتنه ۸۸*. *مدیریت اسلامی*، ۲۵(۳)، ص ۵۳-۸۴.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۱/۱). *بیانات در دیدار با مردم قم*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/35367>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۲/۱۰). *دیدار اعضای شورای عالی استان‌ها و شهرداران مراکز استان‌ها با رهبر انقلاب*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/12346>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹/۹/۱۰). *بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/10664>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۰/۵/۱۱). *بیانات در مراسم تنفیذ ریاست جمهوری سال ۸۰*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/3076>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۷/۰۲/۱۲). *بیانات در دیدار معلمان استان فارس*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/3428>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۲/۵/۱۲). *بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/2678>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴/۶/۱۲). *بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/30653>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۲/۸/۱۲). *بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/24378>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹/۹/۱۲). *بیانات در دیدار کارگزاران نظام*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/3039>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۱/۳/۱۴). *بیانات در مراسم سومین سالگرد رحلت امام خمینی*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/2623>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۳/۳/۱۴). *بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد رحلت امام خمینی*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/3233>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۹/۳/۱۴). *خطبه‌های نماز جمعه در بیست و یکمین سالگرد رحلت امام خمینی*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/9524>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۳/۱۴). *بیانات در مراسم بیست و دومین سالگرد رحلت امام خمینی*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/12595>

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۸/۱۱/۱۶). *بیانات در دیدار کارگزاران نظام*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/2937>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۵/۱۶). *بیانات در دیدار مسئولان نظام جمهوری اسلامی ایران*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/16889>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶/۳/۱۷). *بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/36775>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۴/۱۱/۱۸). *بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/3330>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴/۱۰/۱۹). *بیانات در دیدار با مردم قم*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/46976>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۵/۱۰/۱۹). *بیانات در دیدار با مردم قم*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/35367>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۲/۱۹). *بیانات در دانشگاه فرهنگیان*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/39542>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹/۴/۱۹). *بیانات در دیدار با کارگزاران نظام*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/3016>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۳/۲۰). *بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/39877>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳/۱۲/۲۱). *بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/29151>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۰/۸/۲۱). *بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی - فرهنگی علویون*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/8994>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۵/۸/۲۱). *بیانات در دیدار با مردم گرمسار*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/3368>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۶/۳/۲۲). *خطبه‌های نماز جمعه تهران*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/21495>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۳/۲۳). *بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/18292>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۷/۲۳). *بیانات در اجتماع مردم گیلان غرب*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/17568>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۷/۲۴). *بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/17597>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱/۷/۲۴). *بیانات در دیدار بسیجیان استان خراسان شمالی*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/21298>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴/۱۲/۲۵). *بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضایی حوزه علمیه قم*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/32763>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۴/۲۵). *بیانات در دیدار کارگزاران حج*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/40145>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۹/۱/۲۶). *بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/3002>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۵/۲۶). *بیانات در دیدار فعالان بخش‌های اقتصادی کشور*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/17022>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۱۰/۲۷). *خطبه‌های نماز جمعه تهران*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/44695>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۱۱/۲۹). *بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی*. قابل دسترس در: <https://khl.ink/f/41740>

- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹/۱۱/۲۹). *بیانات در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=47366>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۱/۳/۳). *بیانات در دانشگاه امام حسین (ع)*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/19917>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸/۴/۳). *بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/2109>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷/۴/۳۰). *دیدار سفرا و مسئولان وزارت امور خارجه با رهبر انقلاب*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/40156>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۶/۳/۳۱). *بیانات در دیدار جمعی از استادان، نخبگان و پژوهشگران دانشگاه‌ها*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/36930>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۹/۶/۳۱). *بیانات در ارتباط تصویری با شرکت‌کنندگان در آئین تجلیل از پیشکسوتان دفاع مقدس*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/46525>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۷/۱۲/۴). *بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسئول و سردبیران نشریات دانشجویی*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/7571>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸/۴/۵). *بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/42925>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۱/۵/۵). *بیانات در دیدار اعضای ستادهای نماز جمعه*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/3133>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳/۹/۶). *بیانات در دیدار اعضای مجمع عالی بسیج مستضعفین*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/28344>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸/۹/۷). *بیانات در دیدار اعضای مجمع نمایندگان طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/2228>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۴/۴/۸). *بیانات در دیدار نمایندگان مجلس*. قابل دسترس در:
<https://khl.ink/f/3293>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۲/۵/۸). *بیانات در دیدار جمعی از جوانان اهواز*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3185>
- ژیدک، اسلاوی (۱۳۸۴). *گزیده مقالات در نظریه، سیاست، دین، ویراسته مراد فرهادپور، مازیار اسلامی، و امید مهرگان*. تهران: گام نو.
- ژیدک، اسلاوی (۱۳۸۹). *عنیت ایدئولوژی*. ترجمه علی بهروزی. تهران: طرح نو.
- شفیعی، احمد؛ برزگر، ابراهیم؛ مرادزاده، علی (۱۳۹۵). *نقش ولایت و رهبری در ثبات سیاسی جمهوری اسلامی ایران*. *آفاق امنیت*، ۹(۳۰)، ص ۵-۳۹.
- شفیعی، عباس (۱۳۹۸). *الگوی رهبری معنوی هوشمند (الگوی رهبری آیت‌الله خامنه‌ای)*. حکومت اسلامی، ۲۴(۱)، ص ۱۳۶-۱۶۸.
- فوکو، میشل (۱۳۷۹). *ایران روح یک جهان بی‌روح و نه گفت‌وگوی دیگر با میشل فوکو*. ترجمه نیکو سرخوش. تهران: نشر نی.
- فینک، بروس (۱۳۹۷). *سوژه لاکانی (بین زبان و ژوئیسانس)*. ترجمه محمدعلی جعفری. تهران: ققنوس.
- کیانی، جواد؛ زرگر، علیرضا (۱۳۹۹). *نظام سیاسی مطلوب کشورهای اسلامی در منظومه فکری امام خامنه‌ای*.

- مطالعات بیداری اسلامی، ۹(۱)، ص ۱۷۳-۱۹۸.
- منتظری، غلامرضا؛ منتظری، مصطفی (۱۳۹۴). دکترین امام خامنه‌ای در مواجهه با جاهلیت مدرن. *مطالعات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس*، ۱(۲)، ص ۶۷-۹۲.
- مهاجرنیا، محسن؛ کریمی خضرا، محمد (۱۳۹۱). خاستگاه و مشروعیت نظام سیاسی صالح در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. *مطالعات انقلاب اسلامی*، ۹(۳۱)، ص ۷-۲۴.
- نوری، عباس (۱۳۹۷). ماهیت دولت اسلامی در اندیشه سیاسی آیت‌الله خامنه‌ای. *حکومت اسلامی*، ۲۳(۴)، ص ۱۳۵-۱۶۴.
- هومر، شون (۱۳۹۴). *ژاک لاکان*. ترجمه محمدعلی جعفری و سید ابراهیم طاهانی. تهران: ققنوس، چاپ چهارم.
- Barret, M. (1991). *The Politics of Truth*. Oxford: Polity.
- Laclau, E. (1990). *New Reflections on the Revolution of our Time*. London: Verso.
- Lefort, C. (1986). *The Political Forms of Modern Society*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Zizek, S. (1989). *The Sublime Object of Ideology*. London: Verso.